

## سر مقاله

### از بیداری اسلامی تا بیداری جهانی

تحولات سیاسی - اجتماعی در سطح وسیع منطقه‌ای و جهانی که از سال ۱۳۸۹ آغاز گردیده و به عنوان «بیداری اسلامی» در زبان فارسی و «الصحوۃ الاسلامیه» در زبان عربی معروف گشت و گاهی از آن به «بهار عربی» یاد می‌شود، موجب گردید که حکومت‌های خودکامه یکی پس از دیگری از تخت ریاست دیکتاتوری عزل و به محاکمه و مجازات و انزوا کشیده شوند. آن چه در تونس، مراکش، مصر و لیبی اتفاق افتاده، کار کوچکی نیست. در همیشه همین بس که سیاست‌مداران جهان هیچ‌گاه چنین روزی را پیش‌بینی نمی‌کرده‌اند. همچنین نسبت به آن چه که در یمن و بحرین و سایر کشورها در حال وقوع است.

حاکمان کشورهای اسلامی هم بر اساس دین و فطرت و هم بر اساس خواسته ملت‌های مسلمان باید به احیای ارزش‌های دینی بپردازند و جامعه اسلامی را از یوغ اسارت استعمارگران بیرون آورده، عزت و کرامت بخشیده، در ترویج احکام قرآن و اسلام بکوشند. اما حاکمان، پادشاهان و امیرنشین‌ها در کشورهای اسلامی با فساد و تباهی، زراندوزی و دیکتاتوری، به جای شوکت و عظمت امت اسلامی، نوکری و خدمت بیگانگان و استعمارگران را پیشه خود ساخته و در نظام جهانی به نظام سرمایه‌داری دل بسته و نقش مزدوران آنان در منطقه را بازی کردند. بیداری امت اسلامی در تعیین سرنوشت و رهایی از ظلم و ستم و تلاش در به اجرا گذاشتن احکام اسلام، جهانیان را شگفت‌زده کرد. فعلاً در صدد بررسی و تحلیل علل و زمینه‌های درونی و بیرونی این حرکت عظیم ملت‌های مسلمان نیستیم بلکه به همین مطلب بسنده می‌کنیم که بیداری اسلامی از مرزهای جغرافیایی کشورهای اسلامی گذشته و در شرایط فعلی برای ملت‌های دیگر هم الگو قرار گرفته

است به گونه‌ای که با اختناق سیاسی قدرت‌های بزرگ و غول تبلیغات گمراه کننده رسانه‌های جمعی، گروه‌های مردمی قابل توجهی از کشورهای بزرگ صنعتی و مدعی دموکراسی به پا خاستند و از نظام سرمایه‌داری و لیبرالیستی به ستوه آمده، اعلام موجودیت کرده، در صدد احقاق حقوقی هستند که از سوی اقلیت یک درصدی سرمایه‌داران چپاول می‌شود.

بیداری اسلامی راهش را آغاز کرده و اینک در مسیری قرار گرفته است که خار و خاشاک را از سر راه خود بردارد و زمینه آزادی و دموکراسی واقعی را در کشورهای مختلف آماده سازد. گرچه این راه طولانی بوده و پیمودن آن نیاز به عده و عده دارد، اما با توکل بر خداوند و وحدت و هماهنگی و هم‌دلی می‌توان به قله‌های بلند دست یافت.

در همین راستا، نخستین اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی در روزهای ۱۸-۱۹ شوال ۱۴۳۲ برابر با ۲۶-۲۷ شهریورماه سال ۱۳۹۰ هجری شمسی و مطابق با ۱۷-۱۸ سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی با حضور بیش از هفتصد نفر از اندیشمندان، رهبران مقاومت اسلامی، شخصیت‌ها و فعالان عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای و احزاب و تشکل‌های اسلامی از سراسر جهان در تهران برگزار شد و طی آن ابعاد فکری و پیشینه تاریخی این جنبش و آخرین تحولات، چالش‌ها و چشم‌اندازهای آن بررسی گردیده و درباره آن تبادل نظر شد. در این اجلاس، نشست‌های پنج‌گانه زیر برگزار گردید:

۱. تاریخچه، مبانی و مفاهیم بیداری اسلامی؛

۲. نقش آفرینان عرصه بیداری اسلامی؛

۳. چالش‌های حرکت بیداری؛

۴. اهداف بیداری اسلامی؛

۵. چشم‌انداز و افق‌های پیش‌روی بیداری اسلامی.

در بیانیه پایانی این اجلاس که شرکت‌کنندگان بر آن توافق نمودند، چهارده نکته ذکر شده است. در بخش‌هایی از آن چنین آمده است:

- بیداری اسلامی، در اسلام ناب و تکیه بر حضور مردم در تمامی عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ریشه دارد. این باور ایمانی به همراه خودباوری و خرد جمعی منبع الهام‌بخش جنبش‌های فراگیر اسلام بوده و با تأکید بر نقش قاطع مردم در تعیین سرنوشت خویش، مردم‌سالاری اسلامی را به ارمغان آورده است.

- بازگشت به عزت و کرامت اسلامی و ملی، استقلال ملت‌های مسلمان و آزادی از اسارت فکری، سیاسی و اقتصادی قدرت‌های استکباری، نیازمند وحدت و هم‌دلی آحاد ملت اسلامی است و این امر خطیر جز در سایه خودباوری دینی و تمسک به تعالیم حیات‌بخش اسلام میسر نمی‌گردد. (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا).

- پیروزی و تداوم جنبش بیداری اسلامی در کشورهای مختلف بر شرایط بومی همان کشورها مبتنی است. هم‌زمان حاکمیت اراده ملت‌ها، احیای عزت و کرامت ملی، برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی، پایه‌ریزی پیشرفت همه‌جانبه در سایه آموزه‌های اسلامی و رد هرگونه سلطه بیگانه، حضور نظامی خارجی و اشغال سرزمین‌های اسلامی توسط نژادپرستان صهیونیست اصول خدشه‌ناپذیر بیداری اسلامی است که نهضت‌های اسلامی را به هم پیوند می‌دهد.

- گسترش موج بیداری اسلامی موجب افزایش توطئه‌های دشمن از جمله جنگ نرم علیه امت اسلامی گردیده تا با طرح مسائل فرعی و تحمیل دستور کار غیرواقعی بر نهضت‌های اسلامی فضای لازم را برای ادامه حضور و نفوذ بیگانه در کشورهای اسلامی و نظام‌های تازه‌تأسیس آنها فراهم کرده، آنها را از ادامه راه و رسیدن به اهداف خود باز دارد. نهضت‌های فعال اسلامی باید با هوشیاری و بهره‌گیری از راه‌کارهای خلاق و ابزارهای پیشرفته متناسب مانع توفیق این تلاش‌ها گردند.

- اختلاف در صفوف انقلابیون و درگیری‌های قومی، فرقه‌ای، قبیله‌ای و مرزی، امت اسلامی را تضعیف کرده و به دشمنان اسلام فرصت می‌دهد تا توطئه‌های خود را علیه مسلمانان عملی سازند. ضروری است آحاد مردم و رهبران نهضت‌های اسلامی ضمن به رسمیت شناختن و مدیریت تفاوت‌ها از فرو افتادن در دام این‌گونه درگیری‌ها و تکفیر و تخطئه یک‌دیگر پرهیز نمایند. (وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْکُمْ وَ اصْبِرُوا اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِیْنَ). (ر.ک: <http://www.islamic-awakening.ir>)

بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه، رویدادی بود که زنگ خطر را برای استعمارگران نواخته است. منافع غرب و نظام لیبرال سرمایه‌داری در حمایت از سران مستبد و خودکامه عرب بوده است.

پس از فروپاشی برخی از حکومت‌های دیکتاتور در منطقه و روی کار آمدن دولت مردمی و بالا رفتن ضریب هوشیاری ملت‌ها، نظام سرمایه‌داری رؤیاهایش را تعبیر نشده و جنبش را در حال سقط دید.

به عبارتی دیگر، استعمار جدید با از دست دادن منابع استراتژیک و ارزان‌قیمت انرژی، رمقی برای سلطه جهانی‌اش ندارد و روز به روز شاهد کاهش محبوبیت خویش است. این‌جاست که بیداری اسلامی نه تنها در منطقه موجی ایجاد کرده است بلکه جرعه‌های آن به تدریج کشورهای غربی را روشن کرده، بیداری جهانی را نوید می‌دهد. البته موج بیداری اسلامی تازه در مراحل اولیه خود است

و فراز و نشیب‌ها و کش و قوس‌های زیادی پیش روی خواهد داشت، اما اگر هم اثرات آن در کوتاه مدت، فقط به بیداری و هم‌گرایی ملت‌های مسلمان منطقه در صیانت از سرمایه‌های ملی خود محدود باشد، تبعات آن برای کشورهای غربی که هنوز نتوانسته خود را از زیر آوار مخرب بحران

اقتصادی شروع شده از سال ۲۰۰۸، رها سازد، بسیار شکننده خواهد بود و می‌تواند سبب تشدید بحران اقتصادی و به تبع آن شدت گرفتن اعتراضات مردمی و بروز بحران‌های وسیع اجتماعی و سیاسی شود.

اما به نظر می‌رسد آن‌چه که غرب را بیشتر از همه به هراس انداخته، بعد فکری و نظری جریان بیداری اسلامی است. این که بعد از قرن‌ها دین‌ستیزی و تلاش برای به حاشیه راندن دین و تئوریزه کردن سکولاریسم و ارزش‌های مادی، امروز جنبشی فراگیر و آزادی‌بخش با محوریت دین در منطقه‌ای حساس و به وسعت خاورمیانه و شمال آفریقا به وقوع می‌پیوندد و معلوم نیست تا کجا ادامه خواهد یافت، کابوسی بس وحشتناک است که تعبیر آن می‌تواند افول اندیشه‌های اومانیستی و رکود ارزش‌های سکولاریستی و لیبرالیستی و در نهایت بن‌بست فلسفی مکاتب مادی باشد و بر اساس این به نظر می‌رسد که در جوار کمونیست باید جایی هم در موزه تاریخ برای لیبرالیسم در نظر گرفت. به یقین آن روزی که امام خمینی علیه السلام معمار حکیم و ژرف‌اندیش بیداری اسلامی، وقوع انقلاب اسلامی ایران را به انفجار نور تعبیر کرد، به رسالت جهانی این انقلاب می‌اندیشید و ایمان داشت که بیداری اسلامی سرآغاز بیداری انسانی در جهان خواهد شد. (مقاله موج بیداری اسلامی، سید ابراهیم علوی: <http://www.mofidnews.com/index.php>)

آن‌چه که امروز با عنوان جنبش وال استریت و مشابه آن در کشورهای بزرگ و صنعتی آغاز گردیده و اقشاری از مردم لب به اعتراض گشوده و در هوای سرد با چادر زدن در پارک‌ها و میدانی اصلی شهرها، نظام سرمایه‌داری را به چالش می‌کشند، موجی است که اگر درست هدایت شود، بیداری جهانی در برابر چپاولگران و تلاشی برای ایجاد روزنه‌ای از نور برای همهٔ ستم‌دیدگان و مستضعفان خواهد بود.

در این مورد، مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۰ در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، حرکت مردم آمریکا با عنوان «جنبش وال استریت» را به خوبی تبیین کرده، و با برشمردن ویژگی سیاست دولت آمریکا، نشانه‌های محسوس و عینی فساد رژیم سرمایه‌داری و پی بردن مردم به شعارهای توخالی دموکراسی را به صورت مبسوط بیان کردند.

۶۸۴۳۸۳